

EDITION CRITIQUE OF NEW-FOUND MANUSCRIPTS OF WAHSHI BAFGHI'S GHAZALS

SAIED MOHAMMAD BAGHAR KAMALADDINI*

مقابله و تصحیح غزلیات وحشی بافقی

بر اساس نسخ خطی تازه به دست آمده

دکتر سید محمد باقر کمال‌الدینی*

ABSTRACT

In the first quarter of the 18th century came out a new school named woqo' that gave a new life and taste to Persian poetry.

Wahshi Bafghi, one well-known poets of woqo' school that has ghazal, qasida, qit'a, robai, tarci-e band, tarkib-e band and mathnavis.

This study was prepared on new-found manuscripts and printed copies of Wahshi Bafghi's Divan.

New-found manuscripts are:

(1) Wahshi Bafghi, Manuscript Institute of Tajikistan, number 1240.

(2) Wahshi Bafghi, Manuscript Institute of Tajikistan, number 1577, (17th century).

(3) General Poems of Wahshi Bafghi, Manuscript Institute of Tajikistan, number 916, (17th century).

Key words: Wahshi Bafghi, ghazal, edition critique, poet, woqo' school.

چکیده:

در ربع اول قرن دهم هجری مکتب تازه ای در شعر فارسی به وجود آمد که غزل را از صورت خشک و بی روح قرن نهم بیرون آورد و حیاتی تازه بخشید و در نیمه ی دوم همان قرن به اوج کمال رسید و تا ربع اول قرن یازدهم ادامه داشت. این مکتب تازه را که برزخی است میان شعر دوره ی تیموری و سبک معروف به هندی «زبان وقوع» می گفتند و غرض از آن بیان کردن حالات عشق و عاشقی از روی واقع بود و به نظم آوردن آنچه که در میان طالب و مطلوب به وقوع می پیوندد.

وحشی بافقی از شاعران ارزنده و صاحب نام در مکتب وقوع و طرز واسوخت و از بزرگان عرصه غزل و مثنوی است. آنچه تا امروز از سروده های وحشی برجا مانده و به ما رسیده عبارت است از غزل ها ،قصیده ها ، قطعه ها ، ترکیب بندها ،ترجیح بندها ، رباعیها ، مثنوی های پراکنده و سه مثنوی « خلد برین » و «ناظر و منظور» و «فرهاد و شیرین»

شور و التهاب واقعی که در شعر وحشی است سبب شده تا مردم عادی آنرا بیسندند زیرا او مانند بعضی از مدیحه سرایان و غزل سرایان،

* Assist. Prof. Dr., Payame Noor University, e-mail: kamaladdini@yahoo.com

تفنی شعر نگفته است. وی شوریده حالی پریشان احوال است که سوز و گداز دل بی قرار خویش را بیان می کند و دردمندی خود را ورای غزل هایش نشان می دهد؛ به گونه ای که گویا هیچکدام از غزل سرایان ایران به اندازه ی او به مراتب عشق زمینی آشنا نبوده اند.

بی گمان اگر این عشق آتشین و سوزان در نهاد او زبانه نمی کشید و در اندرون خسته اش این آتش نهانی و خدایی کوره وار نمی تابید این همه سخنان سوزناک، آتشین، جان گداز و دردناک در دیوان گرانبهای او پدید نمی آمد. راز سوزندگی و آتشباری سخنان وحشی جز این نیست که آن سخنان از دلی دردمند و سینه ای آتش افروز برخاسته است.

این تصحیح بر اساس نسخ چاپی و نسخه های خطی تازه پیدا شده به شرح زیر انجام شده است:

(۱) دیوان وحشی بافقی، انستیتوی آثار خطی تاجیکستان، شماره ۱۲۴۰، شامل: قصاید و مثنویات مدحی، مسطبات، ترجیع بندها، غزلیات، قطعات و رباعیات، به خط نستعلیق

(۲) دیوان وحشی بافقی، انستیتوی آثار خطی تاجیکستان، شماره ۱۵۷۷، شامل: قصاید، قطعات، غزلیات و رباعیات، به خط نستعلیق شرقی جلادار، مربوط به قرن ۱۷ میلادی (۱۱ هجری)

(۳) کلیات وحشی بافقی، انستیتوی آثار خطی تاجیکستان، شماره ۹۱۶، مربوط به نیمه اول قرن ۱۷ میلادی (۱۱ هجری)

واژگان کلیدی: وحشی بافقی، غزل، تصحیح، شاعر، مکتب وقوع

اصل مقاله:

۱- مقدمه

ادبیات در هر شکل و قالبی باشد، نمایشگر زندگی و بیان کننده ارزشها و معیارها و ویژگی هایی است که زندگی فردی و جمعی بر محور آن می چرخد، نقد و بررسی و ارزیابی آثار ادبی نیز چنین است و نمیتواند به دور از آن معیارها و ارزشها باشد.

" زبان و ادبیات گهربار فارسی میراث مشترک و مقدس اقوام ایرانی و غیر ایرانی است که با هزاران اثر ارجمند در زمینه های مختلف ادبی و غیره ادبی همواره به عنوان زبان دوم جهان اسلام در دنیا خصوصا در بین کشورهای همجوار جایگاه ویژه ای داشته است. این زبان با الهام از مکتب اسلام در بخش وسیعی از آسیا به ویژه شبه قاره هند و ماوراءالنهر منشاء تحولات عظیم و مروج اسلام و تمدن بشری شده است." (مقام معظم رهبری)

نگارش هزاران کتاب با ارزش در زمینه های مختلف علمی، ادبی و تاریخی در آسیای میانه، شبه قاره، بالکان و ... به زبان فارسی، تالیف و تدوین لغت نامه ها، کتب دستوری، تذکره های فراوان و نیز سرودن اشعار زیاد به این زبان شیرین حکایت از عشق و علاقه فارسی زبانان در نقاط مختلف جهان و توانمندی و ظرفیت بالای این زبان دارد.

از شاعران بزرگ این مرز و بوم که مقام و مرتبه او چنانکه شایسته است تاکنون معرفی نشده است، وحشی بافقی است. با عنایت به اینکه تصحیح و چاپ منقح و شایسته ای از غزلیات وحشی بافقی در دست نداریم و با توجه به اینکه نسخه های جدیدی از اشعار وحشی در سالهای اخیر به دست آمده است، تصحیح و مقابله غزلیات این شاعر بر اساس نسخه های جدید تاجیکستان و مقابله آن با نسخه چاپی طی یک طرح پژوهشی به انجام رسید و این مقاله حاصل و مستخرج از آن طرح است.

امیدوارم این تحقیق بتواند زیبایی های اشعار بلند و عاشقانه ی این شاعر عاشق و دلسوخته ی کویر را هر چند در افقی کوچک اما با جلوه ای موثر نمودار سازد .

۲- پیشینه پژوهش

میراث تاریخی یک ملت شناسنامه فرهنگی آن جامعه است. به همین علت است که هر جامعه و قومی می کوشد تا با پر رنگتر کردن سهم خود، اعتبار بیشتری کسب کند. در مورد یزد این مهم تاکنون تحقق نیافته است. با وجود اینکه این شهر در گذشته برخوردار از میراث معنوی عظیمی بوده است تاکنون آنگونه که باید و شاید در حفظ و انتقال این میراث غنی کوشش درخور توجهی به عمل نیامده است.

یکی از این میراثهای معنوی، آثار با ارزش وحشی بافقی است که مناسبانه تا امروز تصحیح و چاپ خوبی از آنها صورت نگرفته است. بهترین آنها که تاکنون عرضه شده، عبارتند از :

– دیوان وحشی بافقی ، نخعی ، حسین ، انتشارات امیرکبیر، تهران ۱۳۳۸

- کلیات دیوان وحشی بافقی ، نفیسی ، سعید و م.درویش ، سازمان انتشارات جاویدان، تهران ۱۳۶۳

۳- روش تحقیق

این تحقیق به روش کتابخانه ای انجام شده است . به این صورت که نسخه های خطی جمع آوری شده با یکدیگر مقابله شده سپس با نسخه چاپی مقابله و در نهایت کار تصحیح صورت گرفته است. به عبارتی نسخه چاپی اساس کار است و با نسخه های خطی جدید به روش التقاطی مقابله شده است.

۴- درباره وحشی بافقی

۴-۱- زندگی

کمال الدین محمد وحشی بافقی یکی از شاعران زبردست ایران در سده دهم است. وی از خاندانی متوسط در بافق برخاسته بود. برادر سالمندترش مرادی بافقی نیز از شاعران روزگار خود بود و در تربیت وحشی و آشنا کردنش با محفل های ادبی اثر بسیار داشت ولی پیش از آنکه وحشی در شاعری به شهرت رسد بدروید حیات گفت و وحشی از او در اشعار خود چند بار یاد کرده است .

ولادت وحشی ظاهراً در میانه اول سده دهم در بافق اتفاق افتاد. او در آنجا به غیر از برادرش ، در خدمت شرف الدین علی بافقی به کسب دانش و ادب پرداخت. این شرف

الدین علی از شاعران و ادیبان زمان و از ستایشگران شاه تهماسب و دارای دیوانی از قصیده و غزل حدود چهار هزار بیت بود.

وحشی پس از آموختن مقدمات ادب از بافق به یزد و از آنجا به کاشان رفت و چندی در آن شهر سرگرم مکتب داری بود و پس از روزگاری به یزد بازگشت و همانجا ماند و به شاعری و ستایش فرمانروایان آن شهر سرگرم بود. وحشی در کاشان به واسطه ی سرودن بیتهای توجه حاکم آن شهر را به خود جلب کرد. اما با این که بازار شعر و کلام در آن شهر رواجی درخور داشت. پس از چندی به واسطه حسادت چند تن از شعرای آن دیار کاشان را ترک کرد و از آنجا راهی عراق «اراک کنونی» و سپس بندر جرون «هرمز کنونی» شد.

عده ای از محققان به مسافرت او به هندوستان نیز اشاره کرده اند اما این امر محقق نیست. شاعر دلسوخته پس از آوارگی ها سرانجام هوای «خاک پاک یزد» را در سر کرد و بدان شهر رهسپار شد و در آنجا به کمال شاعری رسید. چندی نیز به قصد بارگاه میرمیران (نواده شاه نعمت الله ولی) که حاکم یزد بود به تفت رفت. وحشی اشعار بسیاری در ستایش این فرمانروا و پسرش شاه خلیل... سروده است. وی سرانجام دلش در هیچ آشیانه ای قرار نیافت و تا پایان عمر در شهر یزد گوشه نشینی اختیار کرد و شمع جان را در طلب عشق گذاخت. (صفا ۱۳۶۸ : ۵/۷۶۰-۷۶۲)

وحشی چهره ای روستایی و نازیبا و سری کل داشته و به گفته ی عبدالحسین آیتی در «کتاب تاریخ یزد» «کارش مشکل بوده و بارش در گل، زیرا طبع او خوشگل پسند و طبع خوشگلان مشکل پسند است و این دو با هم سازش نداشته و ندارند». (آیتی ۱۳۱۷ : ۷۸) وحشی از زشتی و بی مویی خویش در چند جای دیوانش سخن به میان آورده و چنین به نظر می رسد که این زشتی و گری همواره او را می آزرده و به خود فرو می برده است.

وحشی مردی وارسته و افتاده و از خودگذشته بوده و هیچ گاه چون برخی سخنوران دیگر به خود ستایی نپرداخته و خود را همسر سراینندگان بزرگ به شمار نیآورده است. او همواره مردم را به داشتن خوی پسندیده فروتنی واداشته و همگان را از سرکشی و خود خواهی باز داشته و در این باره اندرزها داده است. (نخعی ۱۳۳۸ : ۳۸)

تاریخ فوت وی نیز به درستی بر ما روشن نیست. ولی عبدالنبی فخرالزمانی همزمان وی، در تذکره میخانه نوشته است وی در پنجاه و دو سالگی زندگی را بدرود گفته و سال مرگ او را نیز ملاحظه شده باف «بلبل گلزار معنی بسته لب = ۹۹۱» آورده است. چون سال فوت او قطعی است پس در سال ۹۳۹ ولادت یافته است و جز این راه دیگری برای دانستن تاریخ ولادت وی نیست. (نفیسی ۱۳۶۳ : ۱۵)

۴-۲- عصر وحشی

وحشی در دورانی زندگی می کرد که سه دولت قوی در این گوشه جهان فرمانروایی می کردند: گورکانیان در هند، شاه اسماعیل قانونی در عثمانی و شاه تهماسب صفوی در ایران، که از لحاظ سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بر اوضاع زمان خود تاثیر گذار بودند. دوران زندگی این سخنور شوریده و این شاعر نامدار و بزرگ سده دهم در ایران، برابر بود با پادشاهی شاه تهماسب صفوی، شاه اسماعیل دوم و شاه محمد خدا بنده- فرزند بزرگ

شاه تهماسب - . (صفا ۱۳۷۲: ۵/۷۶۷)

۴-۳- تخلص

عبدالنبی فخر الزمانی در تذکره میخانه در مورد نام و تخلص وحشی چنین نوشته است: « عزیزي که گفتار او نزد این محقق اعتبار تمام داشت نقل کرد که من قریب يك سال در خدمت وحشی بودم. روزي از وي پرسیدم که اسم و تخلص شما چیست؟ وي گفت اسم من شمس الدین محمد است و در ایامی که در کاشان به مکتب داری اشتغال داشتیم اول بیتهی که گفتم و بدان اشتهار یافتیم این بود:

اگر چه هیچ ندارم سر کلي دارم

چو شب شود به سر خویش مشعلي دارم

القصه این بیت به سلطان مذکور (حاکم کاشان) رسید و مرا به حضور طلبید. بار اول حقیر به نظرش در آمدم گفت: « این وحشی شعر می تواند گفت » حضار گفتند: « بلي آن بیت از این وحشی است.» چون برادرم قبل از این وحشی تخلص می کرد و در حضور سلطان به همین خطاب مخاطب شدم، بنابراین وحشی تخلص کردم...» (نخعی ۱۳۳۸: ۱۴)

۴-۴- مذهب

چنان که از لابه لای اشعار وحشی بر می آید، وی شاعری شیعی بوده و ترکیب بندها و قصایدی در دیوانش دیده می شود که در مدح حضرت علی - ع - و آل علی همچون: امام رضا-ع- و امام مهدی -عج- ... سروده است. وحشی ترکیب بندی نیز در سوگواری حضرت امام حسین -ع- سروده است.

۴-۵- معاصران وحشی

الف : استادان : نخست شرف الدین علی بافقی است که از سخنوران و دانشمندان زمان خود بود و همه به خوبی از او یاد نموده اند . وحشی نیز در دو جای دیوان خود به نیکی از او نام می برد . دیگر استادش به تعبیر علیقلی خان واله داغستانی و تقی الدین اوحدی « مرادی بافقی » است .

ب : شاگردان : در تذکره ها نوشته شده است که چند تن در مکتب عشق او درس آموختند . نخست قاسم بیگ قسمی افشار که عاقبت سر در راه عشق باخت و وحشی نیز در رثایش شعری را سرود و دیگر رامی اردوبادی که به نوشته صادقی کتابدار «شاگرد محبوب مولانا وحشی بود و این تخلص را نیز بدین سبب به وی دادند که چنان آهوی وحشی را بر خود رام ساخته بود » و دیگر ظهوری ترشیزی که آذر بیگدلی او را از شاگردان وحشی یزدی دانسته است .

دیگر تقی الدین اوحدی بلیانی که بعد ها دیوان وحشی را گرد آوری کرد و پس از آن شرف زردوز تیریزی و طهماسب قلی بیگ عرشی را می توان نام برد (مسرت ۱۳۷۸: ۲۲)

ج : سرایندگان معاصر وحشی: در دستگاه بخشنده و در تختگاه رضوان نشان میر میران درتفت ، سخنوران بسیاری گرد آمده بودند که نامورترین آن ها عبارتنداز : شرف الدین

علی بافقی ، الفتی یزدی ، کسوتی یزدی ، فسونی یزدی ، ظهوری ترشیزی ، غواصی یزدی ، زمانی یزدی ، عشرتی یزدی ، تابعی خوانساری ، ملا مومن حسین یزدی ، موحد الدین فهمی کاشانی و وحشی بافقی ، وحشی با برخی از سراینندگان درگاه میرمیران مصاحبت و مکاتبت و با پاره ای معارضت و مهاجرات داشت . (نخعی ۱۳۳۸ : ۱۰۱)

۴-۶- آرامگاه

وحشی چنان که همگان نوشته اند در یزد وفات کرده و گورش در کوی « پیر برج » آن شهر است. سنگی مرمرین که یکی از سروده های سوزناکش را بر آن کنده بودند، روزگاری آنرا می پوشانده، آرامگاه وحشی و سنگ گور و شاید کالبد او چون خود او به گذشت روزگار ، گزندها و ستمها کشیده است .

درسال ۱۳۳۸ ق امیر حسین خان بختیاری فرمانروای یزد ، سنگ مزار وحشی را از گلخن حمام صدر بیرون کرده و دستور داد بنای یاد بودی در تلگرافخانه « روبروی خیابان فرمانداری » که نزدیک دارالحکومه بود، بسازند ، درسال ۱۳۱۲ که خوانین بختیاری گرفتار قهر و غضب رضا شاه شدند ، حکومت یزد که آن سال با آقای مدبّر نوری بود برای خوش خدمتی به دولت ، مقبره وحشی را خراب کرد و سنگ قبر او را به جهودان یزد فروخت. (نخعی ۱۳۳۸ : ۴۴)

خانه ای تا چند سال پیش در بافق معروف به خانه پیر بود که می گفتند خانه وحشی است . مردم آنجا را مقدس می داشتند اما در اثر بی توجهی ویران شد. درسال ۱۳۵۶ بنایی به یاد بود وحشی روبروی محله ی پیر برج واقع در بوستان وحشی بافقی در یزد آغاز به ساخت شد که درسال ۱۳۵۸ به پایان آمد. هر چند این بنا به پاس و یاد وحشی ساخته شده اما هویداست که نیمه کاره سر هم بندی شده است. دردیماه ۱۳۷۲ به همت شهرداری یزد پیکره ای از وحشی ، کار حمید رضا قوی پنجه در ورودی این بوستان نصب شد . پیکره ای نیز به همت شهرداری تهران در ورودی بوستان ملت تهران نصب شده است . همچنین از این سخنور در شهر دوشنبه تاجیکستان پیکره ای قرار داده شده است .

۵- آثار وحشی

آنچه تا امروزه از سروده های وحشی برجا مانده و به ما رسیده است، عبارت است از غزل ها ، قصیده ها ، قطعه ها ، ترکیب بندها ، ترجیع بندها ، رباعیها ، مثنوی های پراکنده و سه مثنوی « خلد برین » ، « ناظر و منظور » و « فرهاد و شیرین »

۵-۱- دیوان

دیوان وحشی شامل غزلیات ، رباعیات ، مثنویات ، قصاید ، چند ترکیب بند و یک ترجیع بند است که در بردارنده ۵۲۳۷ بیت است. نخستین بار کلیات دیوان وحشی به سعی تقی الدین اوحدی بلیانی معاصر وی، در ۹۰۰۰ بیت گرد آوری شد.

۵-۲- غزل ها

بخش مهم چکامه ها و سروده های وحشی را غزلهای او تشکیل می دهد و اگر از شاهکار جاویدان او یعنی سرآغاز داستان « فرهاد و شیرین » و همچنین از پاره ای ترکیب بندهای زیبا و سوزناک او بگذریم، باید زیباترین بازمانده وحشی را در همین بخش از

دیوانش جستجو کنیم . آنچه از مجموعه غزلهای وحشی در دیوان وی گرد آورده اند ۳۹۷ غزل است که بر روی هم ۲۳۶۶ بیت می باشد.

۳-۵ - قصیده ها

قصیده های وحشی شامل ۴۱ قصیده است که بر روی هم ۱۸۳۶ بیت می باشد. این چکامه ها بیشتر در ستایش غیاث الدین محمد میرمیران سروده شده و پس از او ممدوحانی که عبارتند از : شاه تهماسب ، شاهزاده خلیل الله (فرزند میر میران) بکتاش بیگ (حکمران کرمان) عبدالله خان اعتمادالدوله (فرزند میرزا سلیمان ، صدر اعظم ایران) و از پیشوایان دینی : حضرت محمد(ص)، حضرت علی، امام هشتم و امام دوازدهم(صلوات الله علیهم).

۴-۵ - ترکیب بندها

ترکیب بندهای وحشی نیز از نظر زیبایی و سوزناکی جایی بس ارجمند در دیوان او دارد. در این ترکیب بندها، ستایشنامه ، سوگنامه ، دشنامنامه و سروده های عشق و دلباختگی به چشم می خورد. ولی بخش مهم آن ها را سوگنامه های او تشکیل داده و او جز در این بخش از سروده های خود ، در جای دیگر سوگنامه ای ندارد و اگر دارد بسیار کوتاه است . در این مجموعه یازده ترکیب بند وجود دارد که روی هم ۵۹۰ بیت می باشد، ترکیب بند شماره یک و دو را دربرخی نوشته ها مسمط نیز نامیده اند. و آنچه از وحشی به نام مسمط زبانه زد است همین دو ترکیب بند است. ۱- شرح پریشانی ۲- گله ی یار دل آزار

۵-۵ - ترجیع بند

در دیوان وحشی تنها یک ترجیع بند آمده است که دارای شانزده بند می باشد. این ترجیع شانزده بندی دارای ۱۲۶ بیت می باشد.

۶-۵ - رباعی ها

رباعی های وحشی روی هم ۶۶ رباعی است.

۷-۵ - مثنوی ها

الف - مثنوی فرهاد و شیرین : این مثنوی از بهترین و رایج ترین یادبودهای وحشی است که در زمان خود وحشی نیز دست به دست می گشته و دهان به دهان بازگو می شد . این مثنوی روی هم دارای ۱۰۷۰ بیت است که وصال شیرازی دویست و پنجاه سال پس از وحشی ۱۲۱۵ بیت بر آن افزوده و به گفته خود به پایانش آورده است .

ب - مثنوی ناظر و منظور : این مثنوی عرفانی و اخلاقی ،داستانی است عاشقانه بر وزن « خسرو و شیرین نظامی » که به سال ۹۶۶ هـ.ق سروده شده و وحشی خود ماده تاریخی در پایان آن آورده است. این مثنوی روی هم دارای ۱۵۶۹ بیت است .

پ - مثنوی خلد برین : این مثنوی عرفانی به تقلید از مخزن الاسرار نظامی و در همان بحر است و در قالب پند و اندرز، تمثیلهای اخلاقی و حکمی با حکایاتی زیبا در شش روضه فراهم آمده است. این مثنوی بر روی هم ۵۹۲ بیت دارد .

ت- **مثنوی های پراکنده:** مثنوی های پراکنده شامل ۵۹۵ بیت که شامل ستایشنامه، گله نامه، دشنامنامه، تاریخ بنای گرمابه و کاخ است و نامه ای به دلدار سفر کرده، در آن به چشم می خورد (نخعی ۱۳۳۸: ۲۹۳-۳۰۰)

۶- سبک اشعار وحشی

شعر وحشی از گونه های سهل و ممتنع شعر فارسی است. سخن وحشی در عین سادگی و صمیمیت، واقعیات را آن گونه بیان می کند که هر کسی از عهده آن بر نمی آید، به گونه ای که برخی گفته اند وقتی غزلی از وحشی را می خوانند اگر به دقت در آن بنگرند، می بینند که به خود فرو می روند و در حالشان تغییری رخ می دهد یا با تکرار اشعار و زمزمه بعضی از ابیات چند قطره اشک از دیدگان فرو می ریزند...

وقتی که سبک هندی راه را برای ظهور طی می نمود به موازات آن مکتب وقوع گویی نیز در جریان بود و به دست وحشی شاعر معروف اواخر قرن دهم به سرحد کمال خود رسید و در این مسابقه سبک وحشی زودتر از سبک هندی به مرحله نهایی خود گام گذاشت و با وحشی باقی تقریباً خاتمه یافت اما سبک هندی یک قرن بعد به نقطه اوج خویش واصل شد. (نخعی ۱۳۳۸: ۹۸)

سبک شعر وحشی از نظر لفظی، طرز جمله بندی، آوردن کلمات و ساخت ترکیبات به شعر سبک هندی نزدیک است، آهنگ خاصی که از کیفیت ترکیبات و کاربرد الفاظ در شاعران سبک هندی وجود دارد و وجه تمایز سبک هندی از سایر سبک هاست، در شعر وحشی نیز می توان احساس کرد و از این لحاظ وحشی به زبان مردم سخن گفته است.

کلماتی مانند بی ملاحظه، بی مروت، کم محلی، باعث، لازم شود، حالا، بازارچه... بسیار نزدیک به اصطلاحات امروزی ماست و در آثار پیشینیان کمتر مورد استفاده قرار گرفته است. سخن وحشی گرچه زبان مردم است، اما با توجه به علم آموختگی شاعر، زبانی ادیبانه است و در عین سادگی و نزدیک بودن با زبان مردم بازار با آن در یک سطح نیست.

اصطلاحات و ترکیباتی نیز مانند: دیوانه سر در هوا، عشقی گریبان پاره کن، نگار آشنا کش، دلبر بیگانه سوز و... اسلوب هندی و تاثیر و تاثیر سبک رایج زمان وی را در ذهن تداعی می کند.

دیگر وجه اشتراک شعر وحشی با سبک هندی در وزن های بلند و سنگین غزل هاست، اما از نظر تعداد ابیات، غزل های وحشی نسبت به آنها کوتاهتر است.

از نظر فکری نیز سراینندگان سبک هندی در غزل با طرز وحشی متفاوتند. غزلیات وحشی حاوی پند و اندرز، حکمت، فلسفه، عرفان و تصوف نیستند و وحشی تنها به رسالت غزل پرداخته است و آن شرح معانی عاشقانه است. (نخعی ۱۳۳۸: ۲۱)

شور و التهاب واقعی که در شعر وحشی است سبب شده تا مردم عادی آنرا بپسندند زیرا او مانند بعضی از مدیحه سرایان و غزل سرایان، تقنی شعر نگفته است. وی شوریده حال پریشان احوالی است که سوز و گداز دل بی قرار خویش را بیان می کند و دردمندی خود را و رای غزل های کوتاهش نشان می دهد؛ به گونه ای که گویا هیچکدام از غزل سرایان ایران به اندازه او به مراتب عشق زمینی آشنا نبوده اند.

این شاعر بزرگ قرن دهم آگاهانه پیرایه بندی را به شعر خویش راه نداده ، گرچه از ذوق آوردن آرایه در شعر بی بهره نبوده است ، تنها با عقد زیبایی، اعتدال آرایه های بیان و بدیع را در معانی زیبای عاشقانه و پر سوز و شور خود قرار داده و بدینسان شعرش را آراسته است. بدیهی است که در این کار هرگز راه افراط نپیموده و آرایه هایی از قبیل تجنیس ، مراعات النظیر ، تضاد، تشبیه (به ویژه تشبیه بلیغ) استعارات و کنایات در شعرش دیده می شود و در عین حال شعرش بسیار طبیعی و ساده جلوه میکند .

وی بسیاری از مسائل اخلاقی از جمله فروتنی و تواضع را با تمثیلهای زیبا و محسوس بیان نموده است که در نوع خود تازه و بی نظیر است . بنابر این طرز وحشی در شعر چنان است که این دعوی را که بهترین شعر، اکذب آن است را از یاد می برد و سخنش بی ریا و بی نقاب است که شنونده به راستی آن اطمینان می کند و در نهایت، شعرش از روی احساس، اندیشه و وجدان خویش است و از دل بر می آید و بر دل می نشیند .

وحشی را می توان از روانی شعر او شخصیتی با فکر آزاد ، تجسم نمود که سعی دارد از قید و بند تقلید های شعری خارج شود و طرزی تازه را به سرحد منزل خویش برساند زیرا « جوهر واقعی لذت هنری جز همین تنوع طلبی و تازه جویی نیست به شرط آنکه راستین باشد نه ساختگی (زرین کوب ۱۳۵۵: ۱۶)

وحشی از میان شاعران پیشین در مثنوی سرایی به داستان سرای معروف گنجه ، نظامی بیش از همه توجه داشته است او در منظومه « فرهاد شیرین » « خسرو شیرین » نظامی را سرمشق قرار داده و واژه ها ، اسامی و پاره ای اصطلاحات و گاهی مصرع هایی از آن را در شعر خود جای داده است و از موسیقی داخل آن نیز بهره برده است .

همچنین منظومه ی «خلد برین» او تحت تاثیر مخزن الاسرار نظامی است و در آغاز مثنوی خلد برین با آوردن ترکیبی با عنوان « بانی مخزن » از او یاد می کند. وی این منظومه را در برابر مخزن الاسرار نظامی و بر همان وزن ، سروده است و در سر تا سر این منظومه تاثیر آن را می توان دید. (صفا ۱۳۷۲: ۷/۶۴)

همچنین به سخنوران نامی قرن هفتم و هشتم؛ سعدی شیرازی و حافظ رویکرد خاصی داشته است و تضمینی از سخنان سعدی نیز در دیوان او به چشم می خورد. برخی از ترکیبات و مضمون های شعر حافظ نیز مورد تقلید وحشی قرار گرفته است.

۷- مضامین اصلی اشعار وحشی

مضمون های شعر وحشی بافقی عمدتاً شامل : عشق و عاشقی ، مدح و ستایش ، مرثیه و سوگواری و هجو می باشد.

۷-۱- عشق: وحشی در جهان عشق ، شیدایی ، سوز و گداز، دلباختگی و مهرورزی مردی یگانه و دلباخته ای بی مانند است . بی گمان اگر این عشق آتشین و سوزان در نهاد او زبانه نمی کشید و در اندرون خسته اش این آتش نهانی و خدایی کوره وار نمی تابید این همه سخنان سوزناک، آتشین، جان گداز و دردناک در دیوان گرانبهای او پدید نمی آمد. راز سوزندگی و آتشباری سخنان وحشی جز این نیست که آن سخنان از دلی دردمند و سینه ای آتش افروز برخاسته است.

عشق وحشی نموداری از عشق پاکبازان و زبان او نمونه ای از زبان جان گدازان است و هیچ شنونده ای نیست که سخنان آتشبار و دردناک او را بشنود و در دلش شور و غوغا برپا نشود و غمهای نهفته اش بیدار نگردد. سخنان سوزناک و غم انگیزی که وحشی در آغاز «فرهاد و شبیرین» خویش به یادگار گذاشته و در آن سینه ای آتش افروز و درونی دردپرورد از خدای خویش خواسته است، به راستی در سراسر برگهای زرین ادبیات کم نظیر است. وحشی در شناساندن چگونگی عشق راستین و ستایش از این نیروی پاک خدایی، سخنوری کم نظیر است.

وحشی بنیاد همه چیز را تنها عشق دانسته و چنانکه دیدیم در سراسر جهان هیچ ذره ای را خالی از این میل نیافته و حتی جهان را « طفیل وجود عشق » دانسته است.

۲-۷ - مدح و ستایش: وحشی مردی گوشه نشین، قانع، وارسته، بلند نظر، دلباخته ای پاکباز و سوخته دل بوده و نمی توانسته است چون سراینندگان دیگر هر دم راه دربار شاهان هند یا شاه تهماسب صفوی پیش گرفته ستایشگری آنان را پیشه سازد. او هیچ گاه به پایتخت و دربار شاه تهماسب و شاهان دیگر صفوی نرفت و همواره در گوشه ای از یزد خزید و برای رهایی از تنگدستی و بینوایی یا برای بدست آوردن نانی « بخور و نمیر» ناگزیر به ستایش فرمانروایان یزد و کرمان و بزرگان آن سامان تن در داد و ستایش نامه هایی در باره ی آنان سرود و چکامه ای چند در ستایش شاه تهماسب از خود به یادگار گذاشت.

۳-۷ - مرثیه و سوگواری: چامه های درآور و اندوه باری که وحشی در مرگ عزیزان خود سروده چنان گیرا و سوزنده و دردناک است که همه را بی اختیار به یاد عزیزان از دست رفته می اندازد و سرشک اندوه از دیدگان هر صاحبذلی روان می سازد.

مرثیه های وحشی عمدتاً در سوگ حضرت امام حسین(ع)، در سوگواری قاسم بیگ قسمی، در سوگ برادر، در سوگ دوست، سوگواری بر مرگ شاه و سوگواری بر مرگ شرف الدین علی استاد وی است. این مرثیه ها عموماً در قالب ترکیب بند سروده شده اند.

۴-۷ - هجو: وحشی از برخی سراینندگان درگاه میر میران رنجیدگی و گله گذاری داشت و چه بسا که میان او و این دسته از سراینندگان گفت و گوها و بد زبانی ها و یاوه سرایی ها می شد و دشنامنامه ها میان آنان رد و بدل می گردید و گاهی نیز کار به داوری و میانجیگری میرمیران یا بزرگان دیگر می کشید.

یکی از سرایندگانی که وحشی بر او تاخته و هفت بندی تند و تیز در هجوش سروده است، ملافهمی کاشی است. اما فهمی نیز آرام ننشسته، خنجر هجو را بر فرق وحشی فرود آورده و دشنامنامه ای بلند بالا برای او ساخته و بدین سان بر او تاخته است. یکی دیگر از سرایندگانی که وحشی از او میانه ای خوش نداشته و هر دو بر بدگویی هم دست یازیده اند، غضنفر کلجاری از سراینندگان کاشانی است و سراینندگان دیگری چون محتشم کاشانی و تابعی نیز با وحشی دشمنی و رشک ورزیده اند. (نخعی ۱۳۳۸، ۳۰۷)

۸- واژه های پر کاربرد در شعر وحشی

عشق: پر کاربردترین کلمه در دیوان وحشی، واژه عشق می باشد که به ویژه در غزلیات فراوان به چشم می خورد. علاوه بر این واژه هایی مثل: آتش، باغ، بزم، تیر، تیغ، حسن، دل، شمع، شوق، غم، کوه، ناز، وصال، وصل، هجر، هجران ...

۹- معرفی نسخه های خطی جدید

یکی از مواردی که در تعامل زبان و ادبیات فارسی با فرهنگهای دیگر قابل توجه است، وجود دستخطهایی به زبان فارسی است که از روزگاران گذشته در نواحی مختلف جهان وجود دارد. این نسخه ها در بردارنده بهترین آثار شاعران، نویسندگان، دانشمندان و نوابغ دوره های گذشته است و مملو از فرهنگ پرمایه اسلامی و ایرانی است. با وجود اینکه در سالهای اخیر تلاشهای گسترده ای در جهت احیای این دستخطها صورت گرفته لکن هنوز هزاران اثر از این نوع در کتابخانه ها وجود دارد که نه تنها تصحیح نشده بلکه فهرستی از آنها نیز تهیه نشده است.

نسخه های خطی، کارنامه علماء، شعرا و دانشمندان جهان به ویژه ایرانیان است که نقش بزرگی در اعتلای جوامع بشری در گذشته و حال دارد. وظیفه و رسالت نسلهای امروز این است که به احیاء و بازسازی و تصحیح علمی این آثار گرانسنگ اهتمام ورزند و در حد توان خود آنها را برای نسل امروز به هر شکل و صورت قابل استفاده سازند.

۹-۱ دیوان وحشی بافقی

انستیتوی آثار خطی تاجیکستان، شماره ۱۲۴۰

شامل: قصاید و مثنویات مدحی، مسطّات، ترجیع بندها، غزلیات، قطعات و رباعیات، به خط نستعلیق شرقی جلادار روغنی، مربوط به قرن ۱۷ میلادی (۱۱ هجری)، دارای ۱۵۶ ورق ۲۱×۱۳ سانتیمتر. متن در دو ستون جایگیر شده، نسخه مجدول به رنگهای آبی و سرخ می باشد. قبل از آغاز متن، عنوان منقّش از طلا و لاجورد موجود است. نسخه از نوع شرقی ترنجدار است و در نوع خود جالب به نظر می رسد. (موجانی و ۱۳۷۶: ۲۲۱)

آغاز نسخه:

راحت اگر بایدت خلوت عنقا طلب
عزت از آنجا بجوی حرمت از آنجا طلب

پایان نسخه:

نه بیش و نه کم آنقدرم بخش که من
هشیار نگردم و نگردم مدهوش

توضیحات:

این نسخه از وسط افتادگی دارد. یعنی قسمتی از قافیة دال + راء + زاء و قسمتی از شین ندارد.

۹-۲ دیوان وحشی بافقی

انستیتوی آثار خطی تاجیکستان، شماره ۱۵۷۷

شامل: قصاید، قطعات، غزلیات و رباعیات، به خط نستعلیق شرقی جلادار، مربوط به

قرن ۱۷ میلادی (۱۱ هجری)، دارای ۱۲۳ ورق ۹×۱۷ سانتیمتر. متن در دو ستون جایگیر گردیده، نسخه مجدول با رنگ‌های سرخ و طلایی و آبی است. در قسمت قطعات کلمه ایضاً با شنگرف نوشته شده است. قبل از قسمت غزلیات عنوانی منقش از طلا موجود است. از نوع سبزرنگ شرقی با ترنج‌های ضریبی است. (موجانی و ۱۳۷۶: ۲۲۱)

آغاز نسخه:

هر که مقبول تو نبود گر همه باشد ملک
همچو شیطان ز آستان کبریا مردود باد

پایان نسخه:

یارب که زمانه دلنوازت باشد
ایام همیشه کارسازت باشد

توضیحات:

نسخه ناقص است، یعنی اوراقی از قصاید و آخر کتاب افتاده و ورق ۱۲۳ پاره‌پاره است.

۹-۳ کلیات وحشی بافقی

انسیتوی آثار خطی تاجیکستان، شماره ۹۱۶

عبارت از ۳۰۴ ورق ۱۹×۵/۱۰ سانتیمتر و یک ورق اشعار حافظ در آغاز نستعلیق بسیار عالی، شرقی مجلای آبی. مربوط به نیمه اول قرن ۱۷ میلادی (۱۱ هجری)، متن در دو ستون جایگیر گردیده، نسخه مجدول به رنگ‌های آبی، زرد و سبز بوده، در ورق‌های ا ب و ۲۰۰ دو عنوان مذهب به طلا و رنگ‌های سرخ و آبی منقش گردیده است.

عناوین فصول نوشته نشده. (موجانی و ۱۳۷۶: ۲۷۴)

نسخه در بردارنده آثار زیر است:

۱- دیوان، شامل: قصاید، غزلیات، مراثی، رباعیات، ترجیع‌بندها و مخمسات.

آغاز: راحت اگر بایدت خلوت عنقا
عزت از آنجا بجوی حرمت آنجا

۲- مثنوی خلدبرین:

آغاز: خامه برآورد صدای صریر
بلبلی از خلدبرین زد صغیر

۳- مثنوی فرهاد و شیرین:

آغاز: الهی سینه‌ای ده آتش افروز
در آن سینه دلی و آن دل همه سوز

۴- مثنوی ناظر و منظور:

آغاز: زهی نام تو سر دیوان هستی
تو را جمله هستی پیش دستی

۵- هجویات:

آغاز: ای ننگ تمام کفش‌دوران ضایع ز تو نام کفش‌دوزان
* در تصحیح، از این نسخه با علامت اختصاری «کت» یاد شده است.

توضیحات:

نسخه بسیار نادر است و از لحاظ قدمت و هنر زیبای خطاطی و آرایش، کم‌نظیر به نظر می‌رسد.



کلیات وحشی - نسخه ش ۹۱۶ - آغاز نسخه - قصاید

